

همه را برای مدتی میتوان فریب داد ؛
عده ای را نیز میتوان برای همیشه گول زد ؛
ولی؛ همه را برای همیشه ممکن نیست تحمق کرد و فریفت.
آبراهام لینکن

Amir Kabir va Iran

امیر کبیر ایران

در قیاریانخ سیاسی ایران

تالیف

فریدون آدمیت

Faridun Adamiyyat

قسمت دوم

طهران ۱۳۲۳

شرکت سهامی چاپ

یعنی اینکه خویش را «در» (باب) می خواند اساس عقاید سید علی محمد قرار گرفت .

پس از مرگ شیخ احمد احساسی بسال ۱۲۴۲ سید کاظم رشتی که از مبرزترین شاگردان او بود جانشین وی گردید . سید کاظم نیز که مانند شیخ احمد خود را واسطه امام زمان می دانست «استاد بزرگی در بافندگی میبود و از او چربافی هایی در دست است که من نمی دانم چه نامی بآنها دهم . جمله هایی نوشته که از هیچ دیوانه ای سرتوانستی زد» ۱ .

سید کاظم در سال ۱۲۵۹ در گذشت و پیروان او دو تیره شدند . جمعی گرد حاجی محمد کریمخان کرمانی پسر ابراهیم خان قاجار ، رئیس شیخیه متأخرین ، را که از شاگردان سید کاظم بود گرفتند . عده دیگر دنبال شاگرد دیگر سید ، حاج میرزا شفیع تبریزی ، افتادند . این اوقات مقارن بود با ورود ملاحسین بشرویه ای بشیراز و آشناسدش با میرزا سیدعلیه محمد شیرازی که خود یکی از شاگردان سید کاظم رشتی بود .

میرزا سیدعلی محمد پسر سیدرضای بزاز شیرازی است و تولد وی در شیراز اول محرم ۱۲۲۵ می باشد وی در هجده سالگی از شیراز بیوشهر سفر کرد و مدت پنج سال بتجارت گذرانید . در حدود ۱۲۴۸ بعقبات رفت و مدتی در زمرة شاگردان سید کاظم رشتی درآمده پس از چندی بموطن خود مراجعت نمود .

ملاحسین بشرویه ای : ملائی بود تیزهوش ، زباندار ، ودایر و از سال ۱۲۴۵ که در مشهد اقامت داشت بصحیفه سیاست وارد گردید و باعمال انگلیسی وادیافته نزدیک شد . بدین شکل که در سال ۱۲۴۵ (۱۸۳۰) که «ارتور کونولی» انگلیسی در لباس بازرگانی باتفاق «سید کرامت هندی» بانجام مأموریت مهمی در صفحات خراسان و افغانستان و ترکستان وارد مشهد گردید بابهضی از علمای آنجا مثل ملاحسین و آخوند محمد جواد و ملا احمد آخوندزاده طرح دوستی و یگانگی ریخت و بایشان ، که محرم اسرار و تنها کسانی بودند که از مأموریت او آگاهی داشتند ، راه هرات پیش گرفت و بانجام کار خود پرداخت ارتور کونولی شرح مسافرت خود را در تألیف خود مفصلاً برشته تحریر

۱ بهاییگری



حاجی محمد کریمخان
(کلیشه بهاییگری)

کشیده است و آنجاست که معلوم میشود ملاحسین بازیگر چه نقشی در خراسان و هرات بوده است . ۲

ملاحسین که با بیان مختصر فوق سابقه اش روشن شد مدتی در کوفه اقامت داشت و بساط ملائی و روحانیکری را در آنجا نیز گسترده بود . چنانکه در باب امام زمان و نزدیک بودن ظهور او سخنانی یرسرنبر میراند . چون رشته سخن مارا بکوفه کشاند خوبست باز تکرار کنیم کسانیکه در تاریخ اخیر ایران پیژوهش و کنجکاوی برمیگزینند خوب متوجه شده اند که تربیت شدگانی را بتوانر از بین النهرین بکشور ماروانه کرده اند که در انعطاف و تحول سیاست روز ایران موثر بوده اند . اینست که ما آنرا بنام « مکتب بین النهرین » می خوانیم و جمله پروردگان آن نواحی و دستگاہی که مربی این دست آموزان است قصد میکنیم که بیشتر بصورت ملا و روحانی و ظاهرالصلاح بکشور مداخل شده و نقش برنده ای بازی کرده اند . و اضافه می نمایم که این امر هنوز کهنه نشده و تازگی دارد یعنی باروزگار ما هم قابل تطبیق است . مرکز این مکتب بغداد و همانجاست که کانون فسادى علیه ایران بوده و هست .

دور نرویم گفتگو از ملاحسین بود که چون بشیراز آمد باسید علی محمد طرح دوستی ریخت و پس از چند روز مباحثه و گفت و شنود مقدمات ظهور امام زمانی را چیدند . گفته های سید کاظم که ادعا میکرد ظهور امام زمان نزدیک است از یکطرف نیرنگهای ملاحسین از طرف دیگر هیچانهای در رسید تولید کرد که منجر بدعوی « بابی » شد . ولی باید دانست که اگر تحریکات ملاحسین نبود سیدعلیمحمد هم کسی نبود که بچنین دعاوی برخیزد همانطور که بارها از خود زبونی نشان داده و یارای پافشاری و استقامت نیاورده است . بعلاوه ملاحسین اولین کسی بود که باسید علی محمد در این باب زمینه چیتی کرد و سر سپرد و در این راه قدم برداشت . و از گفته حاجی میرزا جانی مؤلف « نقطه الکاف » هم این موضوع

Journey to the North of India Overland From ۲
England Through Russia ' Persia ' and Affghaunistaun 2
Vols London 1834 By A Conolly

بتجوی آشکار میشود . مؤلف مزبور می گوید : « ولی قبل از آنکه جناب آخوند (ملاحسین بشرویه ای) عارف بحق آنحضرت بشوند احدی بحسب ظاهر عارف نشده بود ... » ۱

پس از آنکه ملاحسین رسید علیمحمد مقدمات ظهور امام زمان را تهیه دیدند در ابتدا سید علی محمد خود را « باب » یعنی واسطه شیعیان و امام زمان خواند و باملاحسین چنین میعاد نهادند که خود بمکه رفته در آنجا ادعای خود را آشکار کند و ملاحسین نیز در خراسان درفش سیاه برافرازد تا کیفیت ظهور ایشان با احادیث و اخبار کاملاً مطابق در آید

سیدعلی محمد نتوانست درمکه شخصیت بارز و برجسته ای احراز کند ولی ملاحسین مقارن قیام سالار ، در خراسان فتنه و فسادى برپا کرد و نام سید علیمحمد را سرزبانها انداخت .

چون میرزا سید علیمحمد بدون هیچ نتیجه و ثمره ای از مکه بازگشت و بامر حسینخان نظام الدوله مقدم صاحب اختیار فارس اورا در بوشهر گرفتند و بشیراز آوردند و در آنجا مجلسی از علما ترتیب دادند سیدعلیمحمد در آنجا عجز و ناتوانی نشان داد و جز عبارات عربی بی معنی سخیف چیزی نتوانست گفت . باین جهت اورا فلك کردند و در زیر فلك ادعای خود را انکار کرده استغفار مینمود . در بالای منبر نیز زبونی بی اندازه ظاهر ساخت و ندبه و اظهار پشیمانی میکرد و تامدتی در شیراز در گوشه انزوا بسر می برد .

معمد لدوله منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان ارادتى بیاب نشان داد و وسایل آوردن اورا باصفهان فراهم آورد و چند ماهی مورد عطوفت و مهربانی منوچهرخان بود تاوی در گذشت (۱۲۶۳) . و نایب الحکومه که باسید نظر خوشی نداشت تفصیل را بدربار نگاشت و علماء اصفهان نیز شرح مبسوطی بحاجی میرزا آقاسی نگاشته طرد و سیاست باب را خواستار شدند . حاجی در جواب ایشان نامه ذیل را در تاریخ ۱۱ محرم ۱۲۶۳ بعلمای اصفهان نوشت . خدمت علمای اعلام و فضلاء ذوی العز و الاحترام مصدع میشود که در باب شخص شیرازی که خود را باب و نایب امام نامیده نوشته بودند که چون